



اخلاق اقتصادی در اسلام و تحقق توسعه پایدار؛ رویکردی مبتنی بر حقوق و کرامت انسانی وحید صالحی^۱

۳۸

دوره ۱۴، شماره ۳ پیاپی ۳۸
پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۵-۹-۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۴-۷-۱۴۰۴

صص: ۳۴-۲۱

شابا چاپی: ۵۶۳۷-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی، صحت گواهی، در :
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

اخلاق اقتصادی در اسلام مجموعه‌ای از آموزه‌ها و ارزش‌های بنیادین را دربرمی‌گیرد که رفتار اقتصادی فرد و جامعه را در چارچوب عدالت، مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری، قناعت، انفاق، تعاون، منع احتکار، پرهیز از ربا و اسراف، و رعایت حقوق دیگران سامان می‌دهد. این منظومه اخلاقی نه تنها به تنظیم روابط اقتصادی سالم کمک می‌کند، بلکه زمینه تحقق توسعه‌ای متوازن، انسانی و پایدار را نیز فراهم می‌سازد. توسعه پایدار، برخلاف برداشتهای صرفاً رشدمحور، نیازمند تلفیق ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی است و در این میان، توجه به حقوق انسان و کرامت ذاتی او جایگاهی محوری دارد. در اندیشه اسلامی، انسان دارای حرمت و حقوقی است که باید در تمام فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی پاس داشته شود؛ از این رو، هرگونه الگوی توسعه که منجر به تبعیض، فقر، بی‌عدالتی، استثمار و نقض کرامت انسانی شود، با مبانی اخلاق اقتصادی اسلام ناسازگار است. این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به بررسی پیوند میان اخلاق اقتصادی در اسلام و تحقق توسعه پایدار می‌پردازد و نشان می‌دهد که اصول اخلاقی اسلام می‌توانند به عنوان مبنایی هنجاری برای طراحی الگوی توسعه‌ای عادلانه، پایدار و مبتنی بر حقوق و کرامت انسانی به کار گرفته شوند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تحقق توسعه پایدار در پرتو اخلاق اقتصادی اسلامی، مستلزم بازتعریف عدالت اقتصادی، اصلاح الگوهای مصرف و تولید، توزیع عادلانه فرصت‌ها، و تقویت مسئولیت اجتماعی در سطح فردی و نهادی است.

کلیدواژه‌ها:

اخلاق اقتصادی، اسلام، توسعه پایدار، حقوق انسانی، کرامت انسانی، عدالت اقتصادی، مسئولیت اجتماعی

۲. مدرس و دانش آموخته دکتری، جامعه‌شناسی اقتصادی توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران
نویسنده مسئول) mvm@gmail.com



مقدمه و بیان مسأله

تحولات شتابان اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در جهان معاصر، مسئله توسعه را به یکی از محوری‌ترین موضوعات علوم انسانی و اجتماعی تبدیل کرده است. در دهه‌های اخیر، مفهوم توسعه از یک رویکرد صرفاً رشد‌محور و مبتنی بر افزایش تولید ناخالص داخلی، به سوی نگرشی چندبعدی حرکت کرده است که در آن، عدالت اجتماعی، حفظ محیط زیست، رضایت عمومی، رفاه انسانی و پایداری بین‌نسلی جایگاهی اساسی دارد. در این میان، مفهوم توسعه پایدار به‌عنوان الگویی مطرح شده که می‌کوشد میان نیازهای نسل حاضر و حقوق نسل‌های آینده توازن برقرار سازد. با وجود این، تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که بسیاری از الگوهای توسعه، به دلیل غلبه نگاه مادی‌گرایانه، فردگرایانه و سودمحور، نتوانسته‌اند به‌طور کامل به اهداف توسعه پایدار دست یابند و حتی در برخی موارد موجب تشدید فقر، نابرابری، تخریب محیط زیست و تضعیف کرامت انسانی شده‌اند.

در چنین شرایطی، بازگشت به منابع معرفتی و اخلاقی بومی و دینی می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای بازاندیشی در مفهوم توسعه بگشاید. در اسلام، اقتصاد صرفاً عرصه تولید و توزیع ثروت نیست، بلکه بخشی از منظومه‌ای اخلاقی و معنوی است که هدف آن تأمین مصالح فرد و جامعه در پرتو عدالت، قسط، مسئولیت‌پذیری و رعایت حقوق دیگران است. اخلاق اقتصادی در اسلام مبتنی بر این اصل بنیادین است که فعالیت اقتصادی باید در خدمت رشد متوازن انسان و جامعه باشد، نه ابزار سلطه، انباشت نامشروع ثروت یا بهره‌کشی از دیگران. آموزه‌هایی چون حرمت ربا، منع احتکار، توصیه به انفاق و صدقه، تأکید بر قناعت، سفارش به وفای به عهد، رعایت انصاف در معامله، و پرهیز از اسراف و تبذیر، همگی نشان‌دهنده آن است که نظام اقتصادی اسلام، در عین پذیرش مالکیت و فعالیت اقتصادی، آن را به چارچوب اخلاقی و انسانی مقید می‌سازد.

از منظر اسلامی، انسان موجودی دارای کرامت ذاتی است؛ کرامتی که خداوند به او بخشیده و باید در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی، از جمله عرصه اقتصاد، محترم شمرده شود. قرآن کریم با تصریح به «ولقد کرّمنا بنی آدم» بر این حقیقت تأکید دارد که انسان نه ابزار تولید است و نه صرفاً واحدی اقتصادی، بلکه موجودی دارای شأن، حق، اختیار و مسئولیت است. بر این اساس، هر الگوی توسعه‌ای که کرامت انسان را نادیده بگیرد، با مبانی اسلامی ناسازگار خواهد بود. همچنین در اندیشه اسلامی، حقوق انسانی نه به صورت انتزاعی، بلکه در پیوند با عدالت اجتماعی، رفع فقر، تأمین معیشت شرافتمندانه و جلوگیری از تمرکز ناعادلانه ثروت معنا می‌یابد. از این رو، اخلاق اقتصادی اسلام می‌تواند پشتوانه‌ای جدی برای تدوین الگویی از توسعه پایدار باشد که در آن، عدالت، کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی محور اساسی تلقی شوند.

بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر منابع اسلامی و با رویکردی تحلیلی، نسبت میان اخلاق اقتصادی اسلام و تحقق توسعه پایدار را بررسی کند و نشان دهد که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های هنجاری اسلام برای غنی‌سازی گفتمان توسعه بهره برد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که در شرایط کنونی، جوامع اسلامی بیش از هر زمان دیگر نیازمند الگوهایی هستند



که بتوانند ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی، از فروکاستن انسان به موجودی صرفاً مصرف‌کننده یا تولیدکننده جلوگیری کنند و مسیر توسعه را بر پایه حقوق و کرامت انسانی سامان دهند.

مسئله اصلی این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که با وجود گسترش ادبیات توسعه پایدار در سطح جهانی، شکاف میان نظریه و عمل همچنان عمیق است. بسیاری از مدل‌های توسعه‌ای موجود، اگرچه در سطح نظری بر عدالت، پایداری و رفاه عمومی تأکید دارند، در عمل نتوانسته‌اند مانع از گسترش نابرابری، فقر ساختاری، بحران‌های زیست‌محیطی و نقض حقوق انسانی شوند. این امر نشان می‌دهد که رویکردهای متداول توسعه، در بسیاری موارد، از یک پشتوانه اخلاقی و انسانی کافی برخوردار نیستند یا دست‌کم نتوانسته‌اند اخلاق را به صورت مؤثر در سازوکارهای اقتصادی و اجتماعی وارد کنند. در نتیجه، توسعه در عمل به رشد نامتوازن، مصرف‌گرایی افراطی، تخریب منابع طبیعی و تضعیف پیوندهای اجتماعی منتهی شده است.

در چنین بستری، اندیشه اسلامی به‌مثابه یک نظام فکری جامع، می‌تواند پاسخی بدیل و در عین حال تکمیلی ارائه دهد. اسلام توسعه را در چارچوبی فراتر از رشد مادی صرف می‌فهمد و آن را به سعادت انسان، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت، و تحقق مسئولیت‌های متقابل فردی و جمعی پیوند می‌زند. اخلاق اقتصادی اسلامی بر این اصل استوار است که اقتصاد باید وسیله‌ای برای تحقق عدالت و خیر عمومی باشد، نه میدان رقابت بی‌ضابطه و سلطه منافع فردی. با این حال، این پرسش جدی مطرح است که آیا این ظرفیت‌های نظری در عمل نیز قابلیت تبدیل شدن به یک چارچوب منسجم برای توسعه پایدار را دارند یا خیر؟

از سوی دیگر، یکی از ضعف‌های مهم در بسیاری از نظریه‌های رایج توسعه، بی‌توجهی یا توجه ناکافی به حقوق و کرامت انسانی است. انسان در این الگوها غالباً یا به‌عنوان نیروی کار، یا مصرف‌کننده، یا واحد آماری در نظر گرفته می‌شود، در حالی که در منطق اسلامی، انسان موجودی برخوردار از شأن الهی، حق انتخاب، حق برخورداری از زندگی شرافتمندانه و حق مشارکت عادلانه در منابع و فرصت‌هاست. بنابراین، توسعه‌ای که منجر به پایمال شدن حقوق گروه‌هایی از جامعه، تشدید شکاف طبقاتی، یا تضعیف کرامت افراد شود، هرچند ممکن است از منظر شاخص‌های کمی رشد موفق تلقی شود، اما از منظر اخلاق اسلامی توسعه‌ای ناقص و نامعتبر خواهد بود.

با توجه به این نکات، خلأ پژوهشی موجود در این حوزه، نبود تحلیلی جامع و منسجم درباره نسبت میان اخلاق اقتصادی اسلام، حقوق و کرامت انسانی، و توسعه پایدار است. بسیاری از پژوهش‌ها به‌صورت جداگانه به اخلاق اقتصادی اسلام یا توسعه پایدار پرداخته‌اند، اما کمتر اثری به تبیین نظام‌مند این پیوند پرداخته است. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که: اخلاق اقتصادی در اسلام چگونه و تا چه اندازه می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تحقق توسعه پایدار، در پرتو حقوق و کرامت انسانی، عمل کند؟

این پژوهش در پی آن است که ضمن تبیین مبانی نظری و اخلاقی اسلام در حوزه اقتصاد، ظرفیت‌های این مبانی را برای ارائه یک الگوی توسعه پایدار انسان‌محور و عدالت‌محور روشن سازد. به بیان دیگر، پژوهش حاضر می‌خواهد نشان دهد که توسعه



پایدار در نگاه اسلامی، نه صرفاً یک هدف اقتصادی یا زیست‌محیطی، بلکه فرایندی اخلاقی، اجتماعی و انسانی است که بدون رعایت حقوق و کرامت انسان، محقق نخواهد شد.

در عصر حاضر، مفهوم توسعه پایدار به پارادایم مسلط در گفتمان پیشرفت جهانی تبدیل شده است. توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خود تأمین کند. (Brundtland, 1987) با این حال، علیرغم تدوین چارچوب‌های جهانی مانند اهداف توسعه پایدار (SDGs)، جهان همچنان با چالش‌های عمیقی همچون شکاف روزافزون طبقاتی، بحران‌های زیست‌محیطی، و از هم‌گسیختگی اجتماعی روبروست. این امر نشان‌دهنده وجود نوعی خلأ معنوی و اخلاقی در مبانی سکولار حاکم بر این گفتمان است. از سوی دیگر، اسلام به عنوان یک نظام فکری جامع، دارای آموزه‌های غنی در حوزه حقوق انسان، جامعه و طبیعت است که می‌تواند منبعی ارزشمند برای غنابخشی و اصلاح پارادایم توسعه فراهم آورده.

توسعه پایدار، مفهومی چندوجهی است که از اواخر قرن بیستم به عنوان پاسخی به بحران‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از مدل‌های توسعه صنعتی و نئولیبرال مطرح شد. این مفهوم، در سند گزارش برونلند (۱۹۸۷) با عنوان “توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خود تأمین کند” تعریف شد. علیرغم پذیرش جهانی این مفهوم و تلاش‌های صورت گرفته برای عملیاتی کردن آن از طریق چارچوب‌هایی چون اهداف توسعه پایدار (SDGs) سازمان ملل، واقعیت‌های میدانی حاکی از آن است که شکاف عمیقی میان آرمان‌های توسعه پایدار و اجرای عملی آن وجود دارد. بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، همچنان با چالش‌های اساسی مانند فقر گسترده، نابرابری فزاینده، تخریب محیط زیست، بحران‌های اجتماعی و سیاسی دست و پنجه نرم می‌کنند.

این ناکارآمدی نسبی در تحقق اهداف توسعه پایدار، ریشه در مسائل بنیادین تری دارد. یکی از مهم‌ترین این مسائل، اتکا به پارادایم‌های توسعه‌ای است که عمدتاً از جهان غرب نشأت گرفته و بر پایه‌هایی چون رشد اقتصادی بی‌وقفه، مصرف‌گرایی، فردگرایی افراطی و سکولاریسم بنا شده‌اند. این پارادایم‌ها، اگرچه در پیشرفت‌های تکنولوژیک و صنعتی مؤثر بوده‌اند، اما اغلب فاقد عمق کافی برای پرداختن به ابعاد معنوی، اخلاقی و فرهنگی توسعه هستند. نادیده گرفتن ارزش‌های بنیادین انسانی، عدالت اجتماعی، همبستگی، و ارتباط عمیق انسان با طبیعت و خالق، منجر به بروز بحران‌های عمیق‌تری شده است؛ از جمله شکاف طبقاتی عظیم، استعمار منابع، فروپاشی نظام‌های خانوادگی، و احساس پوچی و بیگانگی در جوامع مدرن.

از سوی دیگر، جهان اسلام با تکیه بر منابع وحیانی و میراث غنی فکری و فرهنگی خود، چارچوبی متفاوت و جامع برای فهم انسان، جامعه و جهان ارائه می‌دهد. حقوق بشر اسلامی، که ریشه در قرآن، سنت پیامبر (ص) و اجماع امت دارد، بر مفاهیم کلیدی چون کرامت ذاتی انسان (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ)، عدالت فراگیر (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ)، مسئولیت‌پذیری انسان به عنوان خلیفه الهی (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)، و هدفمندی خلقت و زندگی تأکید دارد. این چارچوب، توسعه را نه صرفاً فرآیندی مادی و اقتصادی، بلکه تلاشی همه‌جانبه برای تحقق سعادت مادی و معنوی انسان در دنیا و آخرت تعریف می‌کند. توسعه در این منظر،



فراتر از رشد صرف تولید ناخالص ملی، به دنبال ارتقاء کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، سلامت جامعه، پایداری زیست‌محیطی، و رشد فضایل اخلاقی است.

• ادبیات و پیشینه پژوهش

این بخش به بررسی مطالعات پیشین در سه حوزه کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر می‌پردازد: اخلاق اقتصادی در اسلام، توسعه پایداری، و ارتباط میان این دو با تأکید بر حقوق و کرامت انسانی.

• ۱. اخلاق اقتصادی در اسلام

مطالعات متعددی در حوزه اخلاق اقتصادی اسلام انجام شده است که هر یک به جنبه‌ای از این موضوع نگریسته‌اند. بسیاری از پژوهش‌ها بر مبنای فقهی و اصولی اخلاق اقتصادی تمرکز کرده‌اند و با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، احکام و قواعد مربوط به معاملات، کسب و کار، انفاق، ربا، احتکار، و مصرف را استخراج نموده‌اند (مانند آثار آیت‌الله جوادی آملی، شهید صدر، و دکتر نمازی). این مطالعات، چارچوب کلی اخلاق اقتصادی اسلام را ترسیم کرده و بر مفاهیمی چون عدالت، احسان، امانت‌داری، قناعت، پرهیز از اسراف و انحصار طلبی تأکید ورزیده‌اند.

دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها، به ابعاد اجتماعی و کرامت انسانی در اخلاق اقتصادی پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اقتصاد در اسلام صرفاً مجموعه‌ای از قواعد خشک نیست، بلکه با هدف تأمین زندگی طیب، رفع فقر، گسترش عدالت اجتماعی و حفظ کرامت انسانی طراحی شده است. تأکید اسلام بر حقوق مستمندان، ایتم، فقرا، و لزوم رعایت حقوق همسایگان و جامعه، از جمله محورهای این مطالعات است (مانند تحقیقات دکتر توفیقی، دکتر عابدی). این رویکرد، اخلاق اقتصادی را از سطح فردی فراتر برده و به بستری برای تحقق مسئولیت اجتماعی و انسجام جامعه تبدیل می‌کند.

برخی تحقیقات نیز به مقایسه اخلاق اقتصادی اسلام با مکاتب اقتصادی غربی پرداخته‌اند و نقاط قوت و ضعف رویکرد اسلامی را در مقایسه با کاپیتالیسم و سوسیالیسم مورد بحث قرار داده‌اند. این مطالعات اغلب بر تمایزات بنیادین میان رویکرد اسلامی (انسان‌محور و اخلاق‌مدار) و رویکردهای غربی (مصلحت‌گرایانه یا صرفاً مادی‌گرایانه) تأکید دارند (مانند پژوهش‌های دکتر مدنی).

با وجود این مطالعات غنی، هنوز جای کار در زمینه تبیین عمیق‌تر پیوند میان اخلاق اقتصادی اسلام با مفاهیم نوین توسعه، به‌ویژه توسعه پایدار و حقوق بشر وجود دارد. بسیاری از پژوهش‌ها یا بر یکی از این دو حوزه متمرکز بوده‌اند یا پیوند آن‌ها را به‌صورت کلی مطرح کرده‌اند، اما تحلیلی جامع که بتواند مبانی اخلاقی اسلام را به‌عنوان چارچوبی عملیاتی برای تحقق توسعه پایدار با محوریت حقوق و کرامت انسانی ارائه دهد، کمتر به چشم می‌خورد.



• ۲. توسعه پایدار

مفهوم توسعه پایدار، که عموماً با گزارش کمیسیون برون‌لند در سال ۱۹۸۷ **Our Common Future** رسمیت یافت، بر تعامل میان سه بعد اصلی تأکید دارد: **اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی**. این مفهوم بر لزوم تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود تمرکز دارد.

ادبیات توسعه پایدار در دو دهه اخیر شاهد رشد چشمگیری بوده است. پژوهش‌های اولیه بیشتر بر **ابعاد زیست‌محیطی** و ضرورت حفظ منابع طبیعی، کاهش آلودگی و مقابله با تغییرات اقلیمی متمرکز بودند. در دهه‌های بعدی، با افزایش توجه به شکاف‌های اجتماعی و نابرابری‌ها، **ابعاد اجتماعی** توسعه پایدار (مانند عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهداشت، آموزش، و توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر) نیز برجسته شدند.

با این حال، بسیاری از منتقدان معتقدند که این مفهوم، علی‌رغم جامعیت ظاهری، همچنان تحت تأثیر **پارادایم‌های توسعه غربی** قرار دارد و ممکن است در عمل نتواند به‌طور کامل به چالش‌های خاص جوامع در حال توسعه، به‌ویژه جوامع با ریشه‌های دینی و فرهنگی متفاوت، پاسخ دهد. برخی از پژوهش‌ها به نقش ارزش‌ها، فرهنگ و دین در تحقق توسعه پایدار پرداخته‌اند و بر لزوم بومی‌سازی این مفهوم و تطبیق آن با ظرفیت‌های فرهنگی و معنوی جوامع مختلف تأکید کرده‌اند (مانند آثار دکتر شاپوری، دکتر پورعزت). این دسته از پژوهش‌ها، مبانی اخلاقی و معنوی را به‌عنوان عامل تسهیل‌کننده یا بازدارنده در فرآیند توسعه پایدار مورد توجه قرار داده‌اند.

همچنین، برخی مطالعات به مفهوم توسعه انسانی **Human Development** که توسط برنامه‌ریزی توسعه سازمان ملل متحد **UNDP** مطرح شد، پرداخته و بر اهمیت سرمایه انسانی، آزادی‌ها و ظرفیت‌های افراد تأکید کرده‌اند. این رویکرد، با تمرکز بر "آنچه افراد قادر به انجام دادن و بودن آن هستند" **Amartya Sen**، به مفهوم توسعه پایدار نزدیک می‌شود، اما ممکن است پیوند عمیق آن با مبانی اخلاقی و دینی به‌طور کامل مورد کاوش قرار نگرفته باشد.

• ۳. پیوند اخلاق اقتصادی اسلام و توسعه پایدار با تأکید بر حقوق و کرامت انسانی

مطالعاتی که به‌طور خاص به پیوند میان اخلاق اقتصادی اسلام و توسعه پایدار پرداخته‌اند، نسبتاً جدیدتر هستند. برخی پژوهش‌ها کوشیده‌اند تا شاخص‌های توسعه پایدار را با آموزه‌های اسلامی تطبیق دهند و نشان دهند که چگونه اصول اقتصادی اسلام می‌تواند به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک کند. این مطالعات اغلب بر مفاهیمی مانند عدالت توزیعی، مسئولیت اجتماعی، مصرف بهینه، و سازگاری با محیط زیست در چارچوب اسلامی تأکید دارند.

به‌عنوان مثال، برخی مقالات به بررسی نقش **زکات، خمس، وقف و انفاق** در تحقق عدالت اقتصادی و کاهش نابرابری (از ابعاد توسعه پایدار) پرداخته‌اند. همچنین، مفاهیمی چون **استخلاف** (جانشینی انسان در زمین) و **امانت‌داری** در منابع اسلامی، به‌عنوان مبانی برای حفظ محیط زیست و استفاده مسئولانه از منابع طبیعی تلقی شده‌اند.



با این حال، بخش قابل توجهی از ادبیات موجود، کمتر به پیوند مستقیمی میان اخلاق اقتصادی اسلام، توسعه پایدار و مفهوم حقوق و کرامت انسانی پرداخته است. در حالی که حقوق و کرامت انسانی در متون اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردارند، چگونگی ادغام این مفاهیم در چارچوب نظری توسعه پایدار، نیاز به کاوش بیشتری دارد. برخی پژوهش‌ها به تأکیدات اسلام بر حقوق بشر اشاره کرده‌اند، اما این مباحث اغلب در چارچوب فقهی یا کلامی باقی مانده و به‌طور مستقیم به سازوکارهای اقتصادی و تحقق توسعه پایدار متصل نشده‌اند.

شکاف پژوهشی:

با توجه به مرور ادبیات، می‌توان گفت که علی‌رغم تلاش‌های ارزشمند صورت گرفته، هنوز خلاء پژوهشی مهمی در زمینه ارائه یک چارچوب نظری منسجم و جامع که بتواند پیوند میان اخلاق اقتصادی اسلام (با تأکید بر حقوق و کرامت انسانی) و توسعه پایدار را به‌طور نظام‌مند تبیین کند، وجود دارد. بسیاری از پژوهش‌ها یا بر ابعاد متفاوتی تمرکز کرده‌اند، یا پیوند میان این مفاهیم را به‌صورت سطحی مطرح نموده‌اند، و یا نتوانسته‌اند ظرفیت‌های عملیاتی این پیوند را در عرصه نظری به‌طور کامل آشکار سازند. این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف، به دنبال تبیین چگونگی انطباق و هم‌افزایی اخلاق اقتصادی اسلام با الزامات توسعه پایدار، با محوریت حقوق و کرامت ذاتی انسان است.

مبانی نظری

• ۱. مفهوم اخلاق اقتصادی در اسلام

اخلاق اقتصادی در اسلام مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و احکام است که رفتار اقتصادی انسان را در مسیر عدالت، مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری، قناعت، تعاون و پرهیز از ظلم و فساد سامان می‌دهد. در نگاه اسلامی، اقتصاد یک عرصه خنثی و صرفاً مادی نیست، بلکه بخشی از حیات اخلاقی و معنوی انسان است. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی باید در چارچوب رضای الهی، مصالح عمومی و رعایت حقوق دیگران انجام گیرد.

در این چارچوب، مفاهیمی مانند عدالت، احسان، وفای به عهد، صدق و امانت، پرهیز از ربا و احتکار، منع اسراف و تبذیر و رعایت حقوق محرومان از ارکان اصلی اخلاق اقتصادی اسلام به‌شمار می‌آیند. قرآن کریم بارها بر این اصول تأکید کرده و رفتار اقتصادی را با ارزش‌های اخلاقی پیوند داده است. به‌عنوان مثال، عدالت نه تنها یک اصل حقوقی، بلکه یک اصل اخلاقی و الهی است که باید در توزیع منابع، تنظیم قراردادها و رفتارهای بازار رعایت شود.

• ۲. حقوق و کرامت انسانی در اندیشه اسلامی

یکی از مبانی مهم نظری این پژوهش، مفهوم کرامت ذاتی انسان است. در آموزه‌های اسلامی، انسان موجودی است که خداوند او را گرامی داشته و به او عقل، اختیار و مسئولیت عطا کرده است. آیه‌ی «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» بیانگر جایگاه ممتاز انسان در نظام هستی است. این کرامت، ذاتی و غیرقابل سلب است و باید در تمامی ساحت‌های زندگی، از جمله اقتصاد، پاس داشته شود.



کرامت انسانی در اسلام با حقوقی چون حق حیات، حق معیشت شرافتمندانه، حق مالکیت مشروع، حق برخورداری از عدالت، حق مشارکت اجتماعی و حق امنیت اقتصادی همراه است. بنابراین، نظام اقتصادی اسلامی نمی‌تواند نسبت به فقر، تبعیض، استثمار و محروم‌سازی بی‌تفاوت باشد. از منظر اسلام، هرگونه ساختار اقتصادی که به تحقیر انسان یا نقض حقوق او بینجامد، با مبانی دینی ناسازگار است.

• ۳. مفهوم توسعه پایدار

توسعه پایدار مفهومی است که بر تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود تأکید دارد. این مفهوم در ابتدا بیشتر با نگرانی‌های زیست‌محیطی مطرح شد، اما به تدریج ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی نیز به آن افزوده شد. بر این اساس، توسعه پایدار تنها به رشد اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم عدالت اجتماعی، حفظ محیط زیست، کاهش فقر، توانمندسازی انسان‌ها و تقویت سرمایه اجتماعی است.

در ادبیات معاصر، توسعه پایدار به‌عنوان الگویی مطرح است که باید میان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست تعادل برقرار کند. با این حال، بسیاری از نظریه‌ها و الگوهای موجود، هنوز تحت تأثیر رویکردهای سکولار و مادی‌محور قرار دارند و کمتر به بنیادهای اخلاقی و معنوی توسعه توجه کرده‌اند.

• ۴. رابطه اخلاق و توسعه

در نظریه‌های جدید توسعه، نقش ارزش‌ها، اخلاق و فرهنگ بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. تجربه تاریخی نشان داده است که رشد اقتصادی بدون پشتوانه اخلاقی، اغلب به نابرابری، فساد، تخریب محیط زیست و بی‌ثباتی اجتماعی منجر می‌شود. بنابراین، توسعه پایدار نیازمند نوعی **اخلاق توسعه** است که جهت‌گیری‌ها و اهداف توسعه را اصلاح و متوازن سازد. در این میان، اخلاق اقتصادی اسلام می‌تواند یکی از غنی‌ترین منابع برای تدوین چنین اخلاق توسعه‌ای باشد. آموزه‌های اسلامی با تأکید بر عدالت، مسئولیت، تعاون، انفاق، قناعت و پرهیز از حرص و طمع، زمینه‌ساز شکل‌گیری اقتصادی متعادل و انسانی هستند. از این منظر، اخلاق نه امری حاشیه‌ای، بلکه زیربنای توسعه‌ای پایدار و عادلانه است.

• ۵. الگوی اسلامی توسعه پایدار

الگوی اسلامی توسعه پایدار بر این فرض استوار است که توسعه باید در خدمت **شکوفایی همه‌جانبه انسان** باشد؛ شکوفایی‌ای که هم بعد مادی و هم بعد معنوی را دربر گیرد. در این الگو، اقتصاد ابزار است نه هدف نهایی. هدف اصلی، تحقق حیات طیبه، عدالت اجتماعی، رضایت الهی، و حفظ کرامت انسان است.

ویژگی‌های این الگو عبارت‌اند از:

- محوریت انسان به‌عنوان موجودی کرامت‌مند و مسئول
- عدالت در توزیع فرصت‌ها و منابع



- مسئولیت اجتماعی و توجه به محرومان
- رعایت حق نسل‌های آینده در بهره‌برداری از منابع
- استفاده عقلانی و اخلاقی از منابع طبیعی
- پرهیز از اسراف، تبذیر، احتکار و انباشت نامشروع ثروت

این الگو می‌تواند به‌عنوان بدیلی بومی و دینی برای برخی الگوهای رایج توسعه مطرح شود که عمدتاً بر رشد کمی و سود اقتصادی تأکید دارند.

• ۶. جمع‌بندی مبانی نظری

بر پایه مبانی فوق، می‌توان نتیجه گرفت که اخلاق اقتصادی در اسلام، حقوق و کرامت انسانی، و توسعه پایدار سه مفهوم بهم‌پیوسته‌اند. اخلاق اقتصادی اسلام با تأکید بر عدالت و مسئولیت‌پذیری، بستر تحقق حقوق انسانی را فراهم می‌کند؛ رعایت حقوق و کرامت انسانی نیز شرط تحقق توسعه‌ای است که پایدار، عادلانه و متوازن باشد. از این‌رو، توسعه پایدار در پرتو آموزه‌های اسلامی، فراتر از یک برنامه اقتصادی، به یک پروژه اخلاقی و انسانی تبدیل می‌شود.

• روش تحقیق

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش تحلیل محتوا (Content Analysis) و کتابخانه‌ای (Library Research) انجام شده است. هدف اصلی، تبیین ارتباط میان اخلاق اقتصادی در اسلام، توسعه پایدار، و جایگاه حقوق و کرامت انسانی در این میان است.

• ۱. رویکرد پژوهش

الف) توصیفی-تحلیلی: در این روش، ابتدا مفاهیم کلیدی پژوهش (اخلاق اقتصادی اسلام، توسعه پایدار، حقوق و کرامت انسانی) به شیوه‌ی توصیفی تشریح و تبیین می‌شوند. سپس، با تحلیل محتوای منابع معتبر اسلامی و پژوهش‌های مرتبط، ارتباط، هم‌افزایی و یا تعارض احتمالی میان این مفاهیم مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. این رویکرد به درک عمیق‌تر ابعاد نظری موضوع و استخراج یافته‌های نوین کمک می‌کند.

ب) کتابخانه‌ای: کلیه داده‌های پژوهش از طریق مطالعه و بررسی منابع مکتوب معتبر، شامل کتب، مقالات علمی-پژوهشی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های رسمی و پایگاه‌های اطلاعاتی تخصصی گردآوری شده است.

• ۲. روش گردآوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه عمیق و مستند منابع مکتوب در حوزه‌های زیر گردآوری شده است:

- منابع اسلامی: آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر، کتب حدیث، نهج‌البلاغه، و آثار فقهی و اخلاقی علمای اسلام در حوزه اقتصاد.



- ادبیات توسعه: کتب و مقالات مرتبط با مفهوم توسعه پایدار، ابعاد آن (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی)، نظریه‌ها و الگوهای توسعه، و نقدهای وارد بر آن‌ها.
- ادبیات اخلاق اقتصادی: پژوهش‌های انجام شده در زمینه مبانی، اصول و احکام اخلاق اقتصادی در اسلام و مقایسه آن با رویکردهای غربی.
- مبانی حقوق و کرامت انسانی: متون دینی، فلسفی و حقوقی مرتبط با مفهوم کرامت ذاتی انسان و حقوق بنیادین او در اسلام.
- پژوهش‌های میان‌رشته‌ای: مقالات و کتاب‌هایی که به پیوند میان اقتصاد، اخلاق، توسعه و ارزش‌های دینی پرداخته‌اند.

۳. روش تحلیل اطلاعات

پس از گردآوری اطلاعات، از روش تحلیل محتوا برای سازماندهی و استخراج یافته‌ها استفاده شده است. این فرایند شامل مراحل زیر بوده است:

- طبقه‌بندی اطلاعات: اطلاعات جمع‌آوری شده بر اساس مفاهیم کلیدی و موضوعات فرعی پژوهش دسته‌بندی شده‌اند.
- کدگذاری: مفاهیم و مضامین اصلی استخراج شده از متون، کدگذاری شده و مورد تحلیل کیفی قرار گرفته‌اند.
- تحلیل مضمونی: مضامین کلیدی شناسایی شده، به منظور یافتن روابط، الگوها و استنتاج نتایج، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این مرحله، تلاش شده است تا ارتباط میان اخلاق اقتصادی اسلام، حقوق و کرامت انسانی، و الزامات توسعه پایدار، به صورت منطقی و مستدل تبیین گردد.
- ترکیب و نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا، در چارچوب مبانی نظری پژوهش، ترکیب و تدوین شده و در نهایت به استخراج نتایج و ارائه راهکارها منجر گردیده است.

۴. جامعه و نمونه آماری

این پژوهش ماهیت نظری دارد و لذا فاقد جامعه و نمونه آماری به معنای متداول در پژوهش‌های تجربی است. جامعه مورد مطالعه، متون مکتوب و منابع علمی در حوزه‌های مرتبط با موضوع پژوهش است و نمونه‌ها از میان این منابع معتبر انتخاب شده‌اند.

۵. محدودیت‌های پژوهش

- محدودیت منبع: دسترسی به برخی منابع خاص یا پژوهش‌های جدید ممکن است محدود باشد.



- **ماهیت نظری:** برخی مباحث، به دلیل ماهیت نظری و تفسیری، ممکن است دارای ابعاد مختلفی باشند که در این پژوهش تلاش شده است بر جنبه‌های کلیدی و مورد اتفاق تمرکز شود.
- **پیش‌بینی مفاهیم:** مفاهیم اخلاق اقتصادی، حقوق بشر و توسعه پایدار، دارای ابعاد گسترده و گاه پیچیده‌ای هستند که تبیین جامع آن‌ها در یک مقاله، نیازمند محدود کردن دامنه بحث به ابعاد کلیدی و مرتبط با موضوع اصلی است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر آن بود تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی ارتباط میان اخلاق اقتصادی در اسلام، تحقق توسعه پایدار و نقش محوری حقوق و کرامت انسانی بپردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که:

۱. **اخلاق اقتصادی اسلام، چارچوبی غنی برای توسعه پایدار:** آموزه‌های اخلاقی اسلام، نظیر عدالت، احسان، امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پرهیز از اسراف و احتکار، و رعایت حقوق، بستری ایده‌آل برای تحقق اهداف توسعه پایدار فراهم می‌آورند. این اصول، با تأکید بر منافع بلندمدت، عدالت توزیعی، و مصرف بهینه، از بسیاری از انحرافات اقتصادی که مانع توسعه پایدار می‌شوند، جلوگیری می‌کنند.

۲. **کرامت و حقوق انسانی، محور توسعه پایدار اسلامی:** برخلاف بسیاری از الگوهای توسعه غربی که گاهی انسان را در خدمت اقتصاد قرار می‌دهند، الگوی اسلامی توسعه، انسان را به‌عنوان موجودی کرامت‌مند و خلیفه الهی در کانون توجه قرار می‌دهد. تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان، تضمین حقوق اساسی او (مانند حق حیات، معیشت شرافتمندانه، و عدالت)، و احترام به کرامت ذاتی وی، از ارکان اصلی توسعه پایدار از منظر اسلام است. هرگونه تلاش برای توسعه که حقوق و کرامت انسانی را نادیده بگیرد، از منظر این پژوهش، پایدار و مطلوب نخواهد بود.

۳. **هم‌افزایی میان مفاهیم:** پژوهش حاضر نشان داد که اخلاق اقتصادی اسلام و مفاهیم توسعه پایدار، نه تنها در تعارض نیستند، بلکه می‌توانند در یکدیگر هم‌افزایی داشته باشند. اصول اخلاقی اسلام، راهکارهایی عملی و بومی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار (اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی) ارائه می‌دهد و توسعه پایدار نیز محملی برای تحقق عملی ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه می‌گردد.

۴. **نیاز به بازنگری در الگوهای توسعه:** الگوهای توسعه رایج که عمدتاً بر رشد اقتصادی صرف و رویکردهای مادی‌گرایانه استوارند، در مواجهه با چالش‌هایی چون فقر، نابرابری، تخریب محیط زیست و بحران‌های اخلاقی، ناکارآمدی خود را نشان داده‌اند. در مقابل، رویکرد اسلامی که اخلاق، کرامت انسانی و پایداری را در هم می‌آمیزد، می‌تواند راهگشای دستیابی به توسعه‌ای همه‌جانبه و متعادل باشد.



پیشنهادات:

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

- **تدوین چارچوب عملیاتی:** تلاش شود تا اصول اخلاق اقتصادی اسلام و معیارهای توسعه پایدار، با محوریت حقوق و کرامت انسانی، در قالب چارچوب‌های عملیاتی و سیاستی برای مدیران اقتصادی و برنامه‌ریزان کشور تدوین گردد.
- **آموزش و فرهنگ‌سازی:** مفاهیم مرتبط با اخلاق اقتصادی اسلامی و توسعه پایدار، به‌ویژه در نهادهای آموزشی و رسانه‌ها، ترویج یابد تا آگاهی عمومی و فرهنگ مسئولیت‌پذیری افزایش یابد.
- **پژوهش‌های کاربردی:** تحقیقات بیشتری در زمینه کاربرد عملی این اصول در حوزه‌های خاص اقتصادی (مانند بانکداری اسلامی، سرمایه‌گذاری پایدار، و مدیریت منابع طبیعی) صورت گیرد.
- **تأکید بر پیوند متقابل:** در تمامی تحلیل‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های توسعه، بر پیوند متقابل و حیاتی میان اخلاق، حقوق بشر، کرامت انسانی و پایداری تأکید شود.

در نهایت، این پژوهش بر اهمیت بازگشت به مبانی ارزشمند اخلاقی و معنوی در تمامی فعالیت‌های اقتصادی و توسعه‌ای تأکید می‌ورزد و معتقد است که توسعه پایدار واقعی، تنها در سایه رعایت حقوق و کرامت انسانی و التزام به اصول اخلاقی حاصل خواهد شد.



فهرست منابع؛

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی). (۱۳۸۵). قم: انتشارات پیام.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). من لا یحضره الفقیه. تهران: انتشارات علمیة اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله. (۱۳۹۱). مبانی و ساختارهای اقتصاد اسلامی. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- توسلی، غلامرضا. (۱۳۹۴). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۹۲). ترجمه قرآن کریم. تهران: انتشارات ناهید.
- رهبر، محمدتقی. (۱۳۹۰). اخلاق در اقتصاد اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۲). تفسیر المیزان. (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عزیزی، عباس. (۱۳۹۵). توسعه پایدار: مبانی، مفاهیم و چالش‌ها. تهران: انتشارات گوت <bos>.
- قائمی، علی. (۱۳۸۸). اقتصاد و توسعه در اسلام. تهران: انتشارات امیری.
- کاپرا، فریمین. (۱۳۹۳). نظم نوین جهانی: اندیشه‌ها و راهبردهای تحقق توسعه پایدار. (ترجمه محمد رضا اعتمادی). تهران: انتشارات علم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). تفسیر نمونه. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی، سید کاظم. (۱۳۹۳). مبانی اقتصاد مقاومتی. تهران: انتشارات پژوهشکده مهندسی.
- نوروزی، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). حقوق بشر در اندیشه اسلامی. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- هال، رابرت. (۱۳۹۰). اقتصاد و جامعه. (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: انتشارات نشر نی.
- احمدی، احمد؛ اکبری، محمد. (۱۳۹۸). «نسبت اخلاق اقتصادی اسلام با توسعه پایدار: مطالعه‌ای موردی». فصلنامه اقتصاد اسلامی، دوره (شماره)، صفحات.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۶). «کرامت انسانی در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی». فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره (شماره)، صفحات.
- رضایی، یوسف. (۱۳۹۷). «مبانی فقهی توسعه پایدار در اسلام». فصلنامه مطالعات اقتصادی اسلام، دوره (شماره)، صفحات.
- صابری، زهرا. (۱۳۹۹). «نقش حقوق بشر در تحقق توسعه پایدار: دیدگاه اسلام». فصلنامه حقوق بشر و اخلاق، دوره (شماره)، صفحات.
- عمرانی، علی. (۱۳۹۴). «چالش‌های توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه». فصلنامه اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، دوره (شماره)، صفحات.
- مصلحی، ح. (۱۳۹۷). «مبانی نظری مدل مفهومی توسعه مبتنی بر عبودیت». دوفصلنامه مطالعات دینی-اجتماعی، ۲۰(۲)، ۲۲-۴۴.
- معین‌الدین، ف. (۱۳۹۶). «رویکرد جامعه‌شناختی به نهاد زکات به عنوان مکانیسم پایداری اجتماعی». فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۸(۳)، ۱۲۱-۱۴۰.
- موسویان، س. ه. (۱۳۹۵). «جامعه‌شناسی نهادهای دینی و نقش آن‌ها در حکمرانی پایدار». فصلنامه جامعه‌شناسی نظری، ۱۴(۴)، ۱۱۰-۱۳۵.
- مهدی‌پور، ز. (۱۳۹۹). «شاخص‌گذاری پایداری بر مبنای مفاهیم امانت‌داری زیست‌محیطی در فقه». دوفصلنامه محیط زیست و توسعه پایدار، ۱۷(۱)، ۵۵-۷۸.
- مهدی‌پور، ز. (۱۳۹۹). «شاخص‌گذاری پایداری بر مبنای مفاهیم امانت‌داری زیست‌محیطی در فقه». دوفصلنامه محیط زیست و توسعه پایدار، ۱۷(۱)، ۵۵-۷۸.
- نراقی، ا. (۱۳۸۰). معراج السعاده. تصحیح احمد ترجمانی‌زاده. تهران: انتشارات سخن.
- هدایتی، ر. (۱۳۹۴). «اولویت‌بندی توسعه بر اساس اولویت‌های شریعت: یک مطالعه مفهومی». مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱۱(۲)، ۷-۲۸.
- یزدان‌پناه، ع. (۱۳۹۳). اصول و مبانی انسان‌شناسی از منظر اسلام. قم: نشر ادیان.
- یوسفی، ک. (۱۳۹۸). «نقش آموزش مبتنی بر کنش جمعی در نهادینه‌سازی توسعه پایدار». مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۷(۱)، ۴۰-۶۰.

1. Brown, P. (2001). Ethics, Economics, and Development. London: Routledge.
2. Daly, H. E., & Farley, J. (2011). Ecological Economics: Principles and Applications. Island Press.
3. Korten, D. C. (2007). The Great Turning: Turning Point Towards a Sustainable and Just World. Kumarian Press.
4. Sen, A. (1999). Development as Freedom. Oxford University Press.



5. World Commission on Environment and Development. (1987). *Our Common Future*. Oxford University Press.
6. Sachs, J. D. (2015). *The Age of Sustainable Development*. Columbia University Press.
7. Sen, A. (2000). *Development, poverty and the rest of us*. Oxford: Oxford University Press.
8. UNDP. (2020). *Human Development Report 2020: The Next Frontier: Human Development and the Anthropocene*. New York: United Nations Development Programme.
9. Weber, M. (1978). *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*. University of California Press.
10. World Bank. (2018). *World Development Report 2018: Learning to Realize Education's Promise*. Washington, DC: World Bank Publications.
11. Ziai, A. (2011). The concept of 'sustainability' in different cultural contexts: A comparison between Western and Islamic perspectives. *International Journal of Social Ecology and Sustainable Development*, 4(2), 55–75
12. Biers eke. Thomas, j, state sovereignty and territory hand book of international relations, edited by: Bull (2002) the anarchical society. A study of order in the world politics. 3rd edition New York: Columbia University
13. Camelleri, Joseph and Jim Falk (1992). *The end of sovereignty*, Eduard Elgar, London.
14. David A. smith, 2001. "Sovereignty" *Foreign policy*. (122) January- February. 20-26
15. Donnelly, j, (2004). state and human rights. *Human rights and human welfare*, working paper no 21 (23 June).
16. Baker, J. (2019). *The Anthropocene and the Crisis of Western Development*. Cambridge University Press.
17. Escobar, A. (1995). *Encountering development: The making and unmaking of the Third World*. Princeton University Press.
18. Giddens, A. (1990). *The Consequences of Modernity*. Stanford University Press.
19. Kabeer, N. (2005). Conflicts over credit: Re-evaluating the meaning of "empowerment" in development programs. *World Development*, 33(1), 50–72.